DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.8.2
نکاتی در بارهٔ حدیثی منسوب به امام حسین علیه‌السلام- مرضیه محمدزاده علمی- ترویجی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۷۱ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۸۲-۱۸۶

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.8.2]

نکاتی در بارهٔ حدیثی منسوب به امام حسین علیه‌السلام

مرضیه محمدزاده*

در فضای مجازی حدیثی بدین صورت به صورت گسترده منتشر شده است و بر اساس آن ادّعا شده که امام حسین علیه‌السلام با ایرانی‌ها دشمنی داشته‌اند!

شیخ صدوق عن ابیه عن سعد، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن یوسف، عن عثمان بن جبله، عن ضریس بن عبدالملک «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام یقُولُ: نَحْنُ قُرَیشٌ وَ شِیعَتُنَا الْعَرَبُ وَ عَدُوُّنَا الْعَجَم» (سفینة البحار، شیخ عباس قمی، ج۶، ص۱۶۵؛ بحارالانوار مجلسی، ج۶۴، ص۱۷۶ به نقل از معانی الاخبار شیخ صدوق ص۴۰۳)

تمام حدیث با سند مذکور همین است که نقل شد و یک کلمه اضافه بر آنچه نقل شد، در این سه کتاب مذکور دیده نمی‌شود.

در بارهٔ این حدیث چند نکته باید گفت:

۱. اصل حدیث از امام صادق علیه‌السلام است، نه امام حسین علیه‌السلام!.

کسانی که اندک آشنایی با روایات داشته باشد، می‌دانند که مراد از «اباعبدالله» در روایات به صورت مطلق، امام صادق علیه‌السلام است، نه امام حسین علیه‌السلام. پس اول اینکه این حدیث از امام حسین علیه‌السلام نیست، اما زیرِ متن نقل‌شده در صفحات مجازی با فونت نزدیک به متن نوشته‌اند: «حسین ابن علی، امام سوم شیعیان». این اولین تحریف و دروغ در نقل حدیث

*. مدرس دانشگاه، محقق و نویسنده Mohammadzadeh37@yahoo.com

مذکور است. البته همهٔ ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام نور واحد هستند، ولی این گونه انتساب، بی‌دقتیِ نویسندگان این متن را نشان می‌دهد.

۲. حدیث چنین معنی شده است: «ما از تبار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانی‌ها هستند. روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانی‌ها را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را به فروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت».

مشاهده می‌شود که متن حدیث بسیار کوتاه است، اما معنی آن بسیار طولانی شده است.

۳. قبل از هر بحثی دربارهٔ مضمون و دلالت این حدیث، استناد به این سخن به عنوان سخن امام صادق علیه‌السلام، مترتب بر این است که این حدیث از اعتبار سندی برخوردار باشد؛ در حالی که راوی اصلی حدیث، ضریس بن عبدالملک، از اصحاب امام صادق علیه‌السلام موثق شمرده شده، ولی در سند حدیث عثمان بن جبله قرار گرفته که مجهول است و همچنین سلمة بن الخطاب در سند حدیث هست که بنا بر نقل نجاشی، ضعیف است. (رجال نجاشی، ص۱۸۷؛ کان ضعیفا فی حدیثه)

آیت الله خویی در کتاب "معجم رجال الحدیث" ج ۴ ص ۹ می‌گوید که علمای رجال، "سلمة بن خطاب" را فردی ضعیف و غیر قابل اعتماد می‌دانند. علاوه بر این، سند این روایت به دلیل فاصلهٔ زیاد زمانی بین دو راوی از اتصال برخوردار نیست و از این جهت غیرقابل اعتماد می‌باشد. پس اصل این حدیث تقطیع دارد و نزد علمای رجالی اعتبار ندارد.

۴. بر فرض که حدیث را معتبر بدانیم، معنای حدیث غیر از آن است که در نوشتهٔ بالا آمده و نویسندهٔ ناشناسِ متن موجود در فضای مجازی، برداشت خود را نوشته و دروغ‌های دیگری را نیز به آن افزوده است.

محدث قمی بعد از نقل این حدیث، بیان و شرح مرحوم علامه مجلسی را بدین شرح می‌آورد: «و شیعتنا العرب؛ أی العرب الممدوح مَن کان شیعتنا و إن کان عجما؛ و العجم المذموم من کان عدونا و إن کان عربا». یعنی عرب ممدوح و تعریف‌شده آن دسته از اعراب‌اند که شیعهٔ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.8.2]

ما باشند؛ اگرچه عجم یعنی غیرعرب باشند. و اینکه فرموده‌اند: "دشمنان ما عجم‌اند" یعنی عجمِ مذمت‌شده کسی است که دشمن ما باشد؛ اگرچه عرب باشد.

اما باید پرسید: چرا عجم به ایرانی معنی شده است، در حالی که شخص امام، عجم را فرد عربی می‌داند که دشمن اهل بیت باشد نه اینکه صرفاً ایرانی باشد. علامه مجلسی نیز مشابه چنین بیانی دارد.

بعد از این عبارت، محدث قمی، نظر خلیفهٔ دوم را نسبت به فارس‌ها، تحت عنوان «سوءُ رأی الثانی فِی الأعاجم» نقل می‌کند با این عبارت: "لما ورد سَبی الفُرسْ الی المدینة أرادَ الثّانی أنْ یبیعَ النّساء وأنْ یجْعلَ الرّجالَ عبید العرب و عَزَم عَلی أنْ یحْمِلَ العلیل والضّعیف والشّیخ الکبیر فی الطّواف و حَوْلَ البیت علی ظهورهم، فقال امیرالمؤمنین علیه‌السلام: اِنّ النّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله قال: اکرمُوا کریمَ قومٍ وإنْ خالفوکم وهؤلاء الفُرس حُکماءٌ کرماء فقد ألْقوا إلینا السّلام ورَغَبوا فی الإسلام وقد إعتقتُ منهم لوجهِ الله حَقّی و حَقّ بنی هاشم... "؛ وقتی اسیران فارس را به مدینه آوردند، خلیفهٔ دوم خواست زنان آنان را بفروشد و مردان آنها را غلام و بردهٔ عرب قرار دهد و تصمیم گرفت افراد معلول و ناتوان و پیرمرد را در طواف و اطراف بیت الله الحرام، سوار بر پشت آنها (ایرانیانِ به بردگی گرفته‌شده) کند. امام علی علیه‌السلام فرمود: به راستی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کریم هر قومی را احترام کنید و گرامی دارید، هرچند با شما مخالف باشند. این در حالی است که ایرانیان مردانی حکیم و دانشمند، باشخصیت و باکرامت‌اند، آنها بر ما سلام کرده و درود فرستاده و میل به اسلام پیدا کرده‌اند و من سهم غنیمت خودم و حق بنی‌هاشم از آنها را برای خوشنودی خدا آزاد کردم.

ملاحظه می‌کنید امام علی علیه‌السلام با او مخالفت کرده و ایرانی‌ها را مردمانی دانشمند و حکیم و افرادی باکرامت و باشخصیت می‌شمارد و آنها را شایستهٔ احترام می‌انگارد.

بنابراین صاحب برگهٔ چاپ‌شده، با غرض ایجاد بغض و کینه در ایرانیان نسبت به امام حسین علیه‌السلام، اولاً حدیث امام صادق علیه‌السلام را به دروغ به امام حسین علیه‌السلام نسبت می‌دهد؛ ثانیاً رأی و اقدام عمر بن الخطاب را به عنوان تتمهٔ سخن آن حضرت ترجمه می‌کند که خطای پژوهشی در این میان روشن است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.8.2]

۵. اگر به لغت‌نامه‌های عربی مراجعه کنید «عَرَب و عَرِب» به معنای «با فهم و فصاحت و واضح و شفاف سخن گفتن» است. همچنین در زبان عربی واژهٔ «العجم» معانی فراوانی دارد که یکی از آنها «باابهام و غیر شفاف سخن گفتن» یا کلام گنگ است، کسی که نتواند فصیح سخن بگوید چه عرب باشد چه غیرعرب، فرد کاملاً بی‌اطلاع و کسی که منکر حقیقتی شود. و اعجم به کسی گویند که: لال، زبان‌بسته، گنگ یا بی‌عقل باشد.

حدیث بر فرض اگر صحت داشته باشد، امام علیه‌السلام شیعیان خود را افراد خالص می‌داند که فصیح سخن می‌گویند، خواه از نژاد عرب باشند یا غیرعرب. از سوی دیگر، دشمنان خود را افراد بی‌اطلاع از مبانی فکری اهل بیت می‌داند، یعنی انسان‌هایی که حقایق را منکر شده و سخنان اهل بیت را هنگام انتقال به دیگران به راستی و درستی با لهجه‌ای فصیح و قابل فهم منتقل نمی‌کنند؛ خواه از نژاد عرب باشند یا عجم. (برای دست یافتن به معانی یادشده مراجعه شود به: المنجد، ص۴۹۵؛ فرهنگ جامع نوین، ج۲، ص ۹۶۹)

این معنا برای حدیث یادشده، با آنچه در خارج اتفاق افتاده نیز مطابقت دارد؛ زیرا در عصر خود آنها، تمام کسانی که با آنها دشمنی کرده و عاقبت مسمومشان کردند و به شهادت رساندند، از نژاد عرب بودند که منکر مقام و شخصیت امامان علیهم‌السلام بودند. این در حالی است که هیچ یک از ایرانی‌ها در به شهادت رساندن آن بزرگواران دخالتی نداشتند؛ هم‌چنان که همهٔ عرب‌ها هم دشمن امامان نبودند.

بنابراین معنای سخن امام صادق این است: «ما بنی‌هاشم و کسانی که پیرو ما هستند، اهل شفافیت و فهم و فصاحت هستند و دشمنان ما اهل ابهام و گنگی». بدین روی، این گونه ترجمه حدیث، خیانت و دروغی آشکار است.

۶. مسئلهٔ آخر و مهم‌ترین مسئله، بررسی محتوای حدیث و تطبیق آن با آیات قرآن است که باید آنچه را موافق با قرآن است، پذیرفت. به عبارت دیگر، قرآن مقیاس سنجش احادیث ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام و از معیارهای تشخیص حدیث صحیح از ناصحیح است که علمی‌تر و دقیق‌تر است.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در جریان حکمیت به دو حَکَم امر کرد که بر اساس قرآن، حکم کنند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.8.2]

و از آن تجاوز نکنند و چیزی را که خلاف قرآن است، نپذیرند. (الارشاد، ج۲، ص ۱۶۵)

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «فان وجدتموه للقرآن موافقا فخذوا به و ان لم تجدوه موافقا فردّوه و إن اشتبه الأمر علیکم فیه فقفوا عنده و ردّوه إلینا حتی نشرح لکم من ذلک ما شرح لنا» (بشارة المصطفی، ص۱۳۷؛ مسند الامام الباقر علیه‌السلام، ج۲، ص۱۶۶) هر آنچه از ما به شما رسید، اگر موافق با قرآن است، بگیرید و آنچه مخالف است، رد کنید و اگر امر بر شما مشتبه شد، پس بر آن بایستید و به ما باز گردانید تا برای شما شرح دهیم.

همچنین آن حضرت به نقل از امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «آنچه موافق با کتاب خداوند است، بگیرید و آنچه مخالف است، رها کنید». (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸)

با این مقدمه می‌گوییم: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا أَیهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکمْ مِنْ ذَکرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکرَمَکمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکمْ إِنَّ اللَّهَ عَلیمٌ خَبیرٌ» (سورهٔ حجرات آیهٔ ۱۳) ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست، بلکه) گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

آیا در نزد خداوند و ائمهٔ معصومین که قرآن ناطق هستند، ملاک برتری، قومیت و نژاد است؟! این منطق بر ضد آیهٔ قرآن است. لذا نتیجه‌ای که گرفته‌اند قابل قبول نیست.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.8.2]